



بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت - 2 / شهریور / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خب، وقت زیادی نمانده؛ من باید مختصر کنم مطالبی را که میخواستم عرض کنم. متشکریم از توضیحاتی که دوستان دادید. امیدواریم ان شاء الله آنچه را که در نظر دارید و همت بر آن گماشتید و در برنامه دارید، با پیگیری‌ها، در خارج تحقق ببخشید؛ ان شاء الله همین جور هم خواهد شد.

این مناسبت، همراه و آمیخته است با یاد شهیدان عزیزمان، شهید رجائی و شهید باهنر و همچنین شهید عراقی؛ که اینها چهره‌های درخشانی هستند. زنده نگهداشتن نام این شهدا، در واقع زنده نگهداشتن گفتمان انقلاب و ارزش شهادت است. همچنین این مناسبت فرصتی است برای ما که از خدماتی که در قوه‌ی مجریه انجام میگیرد، تشکر کنیم؛ چه آنچه که مدیران ارشد دستگاه‌ها انجام میدهند، و چه آنچه که بدنه‌ی دستگاه‌ها تا ذیل تلاش میکنند. خوشبختانه امروز یک تلاش جمعی وجود دارد. این فرصت هفته‌ی دولت، فرصت تشکر از اینها را هم به ما میدهد. برای خود شما هم در واقع یک فرصتی است؛ نه فقط فرصت ارائه‌ی گزارش و کارهایی که انجام گرفته، تا ذهن مردم با حقایق آشنا شود - که این البته لازم است - بلکه علاوه‌ی بر این، فرصت ارزیابی درونی خود مسئولان قوه‌ی مجریه است؛ قوتها و ضعفها را واقعاً بررسی کنند، ارزیابی کنند و بشناسند آنچه را که مایه‌ی پیشرفت آنها شده، آنها را تقویت کنند؛ و همچنین آنچه را که مایه‌ی عقب‌ماندگی‌ها و ضعفهایی شده که در جامعه و در زندگی مردم هم مشهود است، برطرف کنند. یعنی این فرصت هفته‌ی دولت را برای خودتان هم یک فرصتی بدانید؛ بخصوص که امسال، سال آخر این دولت است.

من کاملاً یادم هست که در جلسه‌ای که در اولین مناسبت هفته‌ی دولت با همین دوستانی که اغلبشان حضور دارند، داشتیم، عرض کردیم که فرصتها مثل برق و باد میگذرد. حالا هم ملاحظه میکنید که از این فرصت طولانی و خوب، عمده‌اش گذشت؛ یک سالش باقی است. البته یک سال هم فرصت بزرگی است. نباید تصور کرد که ما در این یک سالی که باقی مانده، چه کار میتوانیم بکنیم؛ نه، در همین یک سال کارهای بسیار زیاد و بسیار مهمی میتوانید انجام دهید. این سال آخر دولت شما، سال مهمی هم هست؛ هم از جهت شرائط بین‌المللی و شرائطی که وجود دارد، سال بسیار مهمی است - یعنی شما در حال مواجهه با زور آزمائی قدرتهای مستکبر هستید که دارند همه‌ی توانشان را خرج میکنند، شاید بتوانند شما را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار کنند؛ شما هم باید از همه‌ی توانتان استفاده کنید تا بتوانید این توهّم باطل ذهن دشمن را به هم بزنیید - هم از جهت آخرین بودن. در واقع شما در سال آخر میخواهید این کتاب طولانی و پر حجم خدمات دولت را شیرازه‌بندی کنید و آماده کنید و تحویل بدهید. یعنی باید واقعاً امسال کار اگر نگوئیم جدی‌تر از همیشه باشد، بلاشک باید در این سال آخر هیچگونه کوتاهی و



سستی‌ای در کار نباشد.

خوشبختانه کشور در حال پیشرفت است - با قطع نظر از آمارهائی که خود ما میدهیم - رصدکنندگان جهانی هم همین را میگویند؛ آنها هم تصدیق میکنند که کشور از جهات مختلف در حال پیشرفت است. البته بعضی‌ها توهماتی میکنند، که توهمات درستی نیست؛ ناشی از ارزیابی درستی نیست.

خب، دشمنان ما اقدامهای جدیدی هم دارند میکنند، که این اقدامها تدابیر و راهکارهای جدیدی میطلبد؛ این را همیشه باید توجه داشت. حالا بعضی از دوستان اشاره کردند که دشمنان يك تصمیمی را میگیرند، ما در مواجهه‌ی با آن تصمیم مشغول فعالیت میشویم و اقدامی را انجام میدهیم؛ خیلی خوب، این کار بسیار خوب است؛ منتها بهترش این است که قبل از اینکه آن تصمیم را طرف مقابل بگیرد، شما حدس بزنید آنچه را که او انجام خواهد داد. فرض بفرمائید که مشکل جابه‌جائی منابع مالی و ناشی از فروش نفت را شما از قبل هم حدس میزدید و میگفتید؛ یا مشکلی را که در خرید و فروش نفت و انتقال نفت و بیمه و از این چیزها به وجود آوردند، قبلاً همه را حدس میزدیم. راهها را از پیش آماده کنید. الان هم همین جور است. یعنی تصور نشود که دشمن از ادامه‌ی دشمنی‌های خودش دست برداشته؛ نه، آنها دنبال راه کارند. چون کارهائی که انجام دادند، به نتیجه نرسیده، حتماً دنبال راهکارهای دیگری خواهند بود - که البته آنها هم به نتیجه نخواهد رسید - شما آن راهکارها را حدس بزنید و از پیش، خودتان را آماده کنید.

يك حرفی اینجا گفته شد، قبلاً هم با من مطرح شده، که تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوه‌ی مجریه لازم است. البته من این را کاملاً قبول دارم؛ یعنی بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی - که فعلاً اساسی‌تر از همه، مسائل اقتصادی است؛ و بخصوص آنچه که مربوط به معیشت مردم است و فشارهائی که دشمن میخواهد بر مردم وارد کند - باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد؛ منتها توجه کنید که این تمرکز در تصمیم‌گیری، معنایش تمرکز تصمیم‌گیری در دولت است؛ یعنی همه‌ی افرادی که در بخشهای مختلف دولت با آقای رئیس‌جمهور همکاری میکنند، باید مسئولیت مشترك احساس کنند - یعنی هماهنگی کنند - در دولت، همه با هم تصمیم بگیرند. در این زمینه، مسئله‌ی مسئولیت مشترك را واقعاً باید در دولت جدی گرفت. هر کاری که يك وزارتخانه‌ای انجام میدهد، همه‌ی وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهیم و شریکند. اگر این شد، آن وقت کارها با هماهنگی پیش میرود؛ نه اختلاف در عملکرد، نه اختلاف در فهم مسائل، نه اختلاف در آمارها، پیش نمی‌آید.



همه‌ی توان هم باید به میدان و به صحنه بیاید. کشور ظرفیتهای خوبی دارد، توانهای خوبی دارد؛ هم در درون دولت ظرفیتهای بالائی هست، هم در بیرون دولت. من می‌بینم گاهی اوقات بعضی از مسئولین بخشها، از افرادی که خارج از تشکیلات دولتند، کمک فکری میگیرند؛ این کار خوبی است؛ این را توسعه بدهید، از این ظرفیت استفاده کنید. افرادی هستند که دلسوزانه و با علاقه و شوق حاضرند در کنار دولت باشند و با دولت همکاری کنند؛ از نیروهای اینها استفاده شود؛ اینها جزو ظرفیتهای کشورند. در درون دولت هم خوشبختانه ظرفیتهای زیاد است.

خب، نقاط قوتی وجود دارد؛ ضعفهایی هم وجود دارد. در جمع‌بندی نقاط قوت و نقاط ضعف، وقتی ما نگاه میکنیم، ترجیح را به نقاط قوت میدهیم؛ لیکن این معنایش این نیست که ما ضعفها را نباید برطرف کنیم. خب، در طول این چند سال در کشور کارهای وسیع عمرانی انجام گرفته؛ بخصوص در مناطق دوردست، در بخشهای مختلف؛ اینها واقعا کارهای مهمی است؛ این یک رویکرد بسیار مهمی در حرکت دولت است. از این قضیه بگیری، تا پیشرفتهای چشمگیری که در زمینه‌ی علم و فناوری به وجود آمده. این پیشرفتهایی که در این چند سال در زمینه‌ی علم و فناوری صورت گرفته، خیلی قابل توجه است.

در زمینه‌ی ارتقاء جایگاه کشور در عرصه‌ی سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی هم همین جور است. امروز در عرصه‌ی سیاست خارجی، ثقل و وزنه‌ی کشور با چند سال قبل تفاوت دارد؛ ما در مسائل، تأثیرگذاریم؛ اینها مهم است. در حوادثی هم که پیش آمده، ما تأثیرگذار بوده‌ایم - که آن، داستان جداگانه‌ای دارد - به نظر ما آن هم خیلی مهم است.

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.

تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم، تلاش فوق‌العاده‌ی کاری که خوشبختانه در دولت مشاهده میشود؛ اینها چیزهای خوبی است. البته توجه کنید که این تلاش فراوانی که دارید انجام میدهید، با کیفیت خوب و با عمل کردن به آنچه که میگوئید، همراه باشد؛ روی این تکیه کنید. البته طبیعی است که شما میخواهید آنچه را که میگوئید،



بتوانید عمل کنید - در این شکی نیست - اما روی این اهتمام داشته باشید که هر آنچه به عنوان يك وعده از شما صادر میشود، مردم در موعد معین ببینند که آن وعده تحقق پیدا کرد. اگر از صد تا کاری که شما میگوئید، نودتایش را انجام بدهید، ده تایش انجام نگیرد، همین در ذهن مردم يك اختلالی ایجاد خواهد کرد. آنچه را که آدم احتمال میدهد انجام نشود، به صورت احتمال بگویند، به صورت قطع و یقین نگویند. به نظر من این چیز بسیار مهمی است.

خب، هر بیننده‌ای احساس میکند و می‌بیند که تلاش دشمنان در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی در این سالهای اخیر، بخصوص در همین شش هفت سال گذشته و بخصوص در این دو سه سال اخیر، بیشتر شده. به نظر من دو سه عامل تأثیر دارد که ما اگر بدانیم انگیزه‌های دشمن از کجا ناشی میشود، تکلیف خود را در برنامه‌ریزی‌ها مان بهتر می‌فهمیم. به نظر من یکی از علل این دشمنی‌ها، همین پیشرفتهای شماست؛ یعنی میخواهند این پیشرفتهای شما را کند شود. جمهوری اسلامی با داعیه‌ی اسلام‌خواهی، با داعیه‌ی مردم‌سالاری اسلامی، با داعیه‌ی رد و نفی مستدل لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا يك خطری است. هرچه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. میخواهند جلوی این را بگیرند.

عامل دوم این دشمنی‌ها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کم‌رنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره‌ی همراه‌تری می‌گیرند؛ هرچه شما شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر کنید، آنها چهره‌شان عبوس‌تر و خصمانه‌تر میشود؛ این چیز طبیعی است.

عامل دیگر، همین حوادث منطقه است؛ این بیداری اسلامی و آنچه که در منطقه‌ی ما رخ داد، که حادثه‌ی فوق‌العاده مهمی است. به نظر من هنوز ابعاد عظیم این حادثه‌ای که در شمال آفریقا و منطقه‌ی اسلامی ما اتفاق افتاده، برای خیلی‌ها درست شناخته شده نیست؛ خیلی چیز عظیمی اتفاق افتاده. پشت این مسئله، دست قدرت الهی است. خب، اگر چنانچه در این شرائط، يك ایران بی‌دردسر بی‌دغدغه اینجا وجود داشته باشد، با همین شعارهایی که دارد، با همین کارهایی که دارد میکند، با همین پیشرفتی که محسوس است، از آن کشورها بیایند ببینند کارخانه‌ها را، دانشگاه‌ها را، مراکز تحقیقاتی را، وضع زندگی مردم را، بازارهای پر از اجناس را، دولت بی‌دردسر را، بدیهی و طبیعی است که آنها می‌گویند الگوی خوب همین است. میخواهند این نشود. میخواهند این الگو شدن جمهوری اسلامی نباشد. یعنی برای جمهوری اسلامی دردسرهایی به وجود بیاورند، تا آن کشورهایی که تحولی در آنها رخ داده و وارد مرحله‌ی جدیدی شده‌اند، برای ادامه‌ی راه، این را الگو قرار ندهند.

حالا البته بعضی‌ها در روزنامه، در سایت، در تریبونهای گوناگون مطالبی منتشر میکنند؛ اینکه چرا ما در دنیا



دشمن تراشی کردیم که اینقدر با ما دشمنی کنند! به نظر من اینها حرفبافی است. آنچه که گفته میشود، متکی به یک تحلیل درست نیست. نه، دشمنی‌ها خیلی طبیعی است. وقتی که امام بزرگوار بود، دشمنی‌ها زیاد بود؛ برای خاطر مواضع قاطع امام. هرچه مواضع ما ضعیف‌تر شود و عقب‌نشینی کنیم، آنها طبعاً چهره‌شان بظاهر متبسم‌تر میشود. البته جلو می‌آیند. یعنی چهره را متبسم میکنند، برای اینکه بتوانند جلو بیایند، مناطق را تصرف کنند و ما را از پیشرفت هدفهامان باز بدارند. هرچه ما در حرکت خودمان جدی‌تر و مصمم‌تر باشیم، آنها ناراحت میشوند و چهره‌شان عبوس میشود. البته تا حالا در این سی و سه سال آنها نتوانستند ما را متوقف کنند، بعد از این هم ان شاء الله نخواهند توانست. بنابراین خوشبختانه وضعیت کشور اینجوری است. البته گرفتاری‌هایی هست، ضعف‌هایی هست، مشکلاتی هست، که باید به آنها هم توجه کنیم؛ لیکن مجموعاً وقتی انسان نگاه میکند، حرکت کشور، حرکت رو به پیشرفتی است.

به نظر من عمده‌ی مشکلات، آن چیزی است که مربوط به معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه است. این ناشی از چیست؟ من اینجا نمیخواهم تحلیل کنم. قطعاً یک ضعف‌هایی وجود دارد؛ آن ضعفها را انسان با خود مدیران در میان میگذارد. هیچ لزومی ندارد که کسانی که دستی به میکروفن و به منبر و به اینها دارند، بنا کنند ضعفها را شمارش کردن؛ چون بیان ضعفها در فضای عمومی، مشکلی را حل نمیکند. اگر ضعفی وجود دارد، باید به خود آن کسی که دارای ضعف است، این را گفت؛ اما آثار و نتایج آن ضعفها خب چرا، مشهود است؛ آنها را انسان میتواند مطرح کند.

آنچه که به نظر من مهم است، این است که برای قشرهای ضعیف، مشکلات اقتصادی‌ای وجود دارد؛ این را باید برطرف کنید. حالا بخشی از این مشکلات، ناشی از تورم است. ما در کشور کمبود کالا نداریم؛ خوشبختانه کالاهای گوناگون مورد نیاز مردم در کشور فراوان یافت میشود؛ لیکن مسئله‌ی گرانی و کاهش قدرت خرید وجود دارد؛ این را باید علاج کنید؛ این به عهده‌ی بخشهای مختلف اقتصادی است؛ یعنی هم بخشهای ستادی اقتصادی، هم بخشهای عملیاتی اقتصادی - مثل وزارت صنعت و معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی، بخشهای دیگر - که باید به طور جد ان شاء الله این را دنبال کنند.

آن کسانی که از لحاظ اقتصادی صاحب‌نظرند، چه در درون دولت، چه در بیرون دولت، به بنده میگویند که این مسئله مربوط به افزایش نقدینگی است؛ یعنی افزایش نقدینگی را مهمترین عامل میدانند. این را ما فقط از کسانی که بیرون دولتند، نمیشنویم، بلکه کسانی هم که در درون دولتند، وقتی از آنها سؤال میکنیم، همین را به ما میگویند و گزارش میدهند. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش‌یافته کنترل شود. خب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمیکند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل درست واردات بود، طبعاً مشکل ایجاد میکند.



خب، عوامل نقدینگی هم زیاد است. همین یارانه‌های نقدی که داده میشود - که برای قشرهایی کار مفیدی هم بوده - خودش افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین کارهای عمرانی‌ای که شما میکنید - که اینها دیربازده است - اینها بلاشک افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین مسئله‌ی مسکن مهر که صحبت شد، یا همین طرحهای نیمه‌تمام را که افزایش میدهید، این کاری که در دولت دارند میکنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست - خود اینها ایجاد افزایش نقدینگی میکند. برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دستتان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکز که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید.

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاستهای اصل 44 با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور میشنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحبانظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفاسد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتیم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.



يك ركن ديگر اقتصاد مقاومتي، حمايت از توليد ملي است؛ صنعت و كشاورزي. خب، آمارهائي كه آقايمان ميدهند، آمارهائي خوبي است؛ ليكن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولين به ما ميگويند كه بعضي كارخانهها دچار مشكلند، اختلال دارند، در بعضي جاها تعطيلي صنايع وجود دارد - گزارشهاي گوناگوني به ما ميرسد، خود شما هم گزارش ميدهيد؛ يعني من گزارشهاي ديگر هم دارم، اما اتكاء من به گزارشهاي ديگران نيست؛ گزارشهاي خود شما هم هست كه به دست ما ميرسد - خب، بايد اين را علاج كرد. اينها طبعاً ايجاد اشكال ميكند. اگر چنانچه همين بخش دوم قضيه - يعني آن نيمه ي خالي ليوان - نميبود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادي، وضع بهتري را در كشور ارائه ميكرديد و كمكهاي بيشتري به مردم ميشد. بالاخره حمايت از توليد ملي، آن بخش درونزاي اقتصاد ماست و به اين بايستي تكيه كرد.

واحدهاي كوچك و متوسط را فعال كنيد. البته خوشبختانه واحدهاي بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهي شان هم خوب است، كارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده ي واحدهاي بزرگ ما وضعشان اينجور است - لذا همان طور كه گفتيد، محصول سيمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده ي اينجوري مان خوب است - ليكن بايد به فكر واحدهاي متوسط و كوچك باشيد؛ اينها خيلي مهم است، اينها در زندگي مردم تاثيرات مستقيم دارد.

مسئله ي منابع ارزي هم مسئله ي مهمي است؛ كه خب، حالا آقايمان توجه داريد. روي اين مسئله دقت كنيد، خيلي بايد كار كنيد. واقعاً بايد منابع ارزي را درست مديريت كرد. حالا اشاره شد به ارز پايه؛ در اين زمينه هم حرفهاي گوناگوني از دولت صادر شد. يعني در روزنامهها از قول يك مسئول، يك جور گفته شد؛ فردا يا دو روز بعد، يك جور ديگر گفته شد. نگذاريد اين اتفاق بيفتد. واقعاً يك تصميم قاطع گرفته شود، روي آن تصميم پافشاري شود و مسئله را دنبال كنيد. به هر حال منابع ارزي بايد مديريت دقيق بشود.

يك مسئله هم در اقتصاد مقاومتي، مديريت مصرف است. مصرف هم بايد مديريت شود. اين قضيه ي اسراف و زيادهروي، قضيه ي مهمي در كشور است. خب، حالا چگونه بايد جلوي اسراف را گرفت؟ فرهنگ سازي هم لازم است، اقدام عملي هم لازم است. فرهنگ سازي اش بيشتتر به عهده ي رسانههاست. واقعاً در اين زمينه، هم صدا و سيما در درجه ي اول و بيش از همه مسئوليت دارد، هم دستگاههاي ديگر مسئوليت دارند. بايد فرهنگ سازي كنيد. ما يك ملت مسلمان علاقه مند به مفاهيم اسلامي هستيم، اينقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگي مان اهل اسرافيم! بخش عملياتي اش هم به نظر من از خود دولت بايد آغاز شود. در گزارشهاي شماها من خواندم، حالا هم بعضي از دوستان اظهار كردند كه دولت درصدد صرفه جوئي است و ميخواهد صرفه جوئي كند؛ بسيار خوب، اين لازم است؛ اين را جدي بگيريد. دولت خودش يك مصرف كننده ي بسيار بزرگي است. شما از بنزين بگيريد تا وسائل گوناگون، يك مصرف كننده ي بزرگ، دولت است. حقيقتاً در كار مصرف، صرفه جوئي كنيد. صرفه جوئي، چيز بسيار لازم و مهمي است.



به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده میشود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه میشود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی میشود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند.

یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکتهای دانش‌بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خوب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکتهای دانش‌بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. البته آنها گلایه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا میکند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله‌ی شرکتهای دانش‌بنیان بپردازند و گلایه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه‌ی بسیار خوبی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که میتوانند در این مورد کمک کنند.

مسئله‌ی وحدت و انسجام ملی هم به نظر من چیز خیلی مهمی است؛ که ما حالا اینقدر این قضیه را تکرار کردیم که کأنه الفاظ دارد خاصیت‌های خودش را در افاده‌ی معنا از دست میدهد! ما باید همه یک حرف بزنیم. مسئولین باید جهتگیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ این به عهده‌ی همه است. تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازیم. اینکه بگوئیم آقا ما میخواهیم فلان کار را بکنیم، نمیگذارند؛ یا فلان کار را کردیم، جلوی‌ش را گرفتند؛ یا فلان تصمیم را گرفتیم، اقدام نکردند، انجام ندادند - که قوای مختلف و بخشهای مختلف به همدیگر بگویند - این را کسی قبول نمیکند. بالاخره حوزه‌های مسئولیت، مشخص است؛ یکی باید قانون بگذارد، یکی باید اجرا کند، یکی سیاستها را تنظیم کند، یکی عملیاتی کند. همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. ما نباید تعامل قوا با یکدیگر را دست کم بگیریم. البته مخاطب این حرف، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مقننه هم مخاطب این قضیه‌اند؛ دستگاه‌های گوناگون اجرائی هم که داخل دولت نیستند - مثل نیروهای مسلح و دیگران - داخل در همین خطابند. همه باید به این معنا توجه کنند. البته رسانه‌ها و منبردارها و تریبون‌دارها نقش دارند. رسانه‌ها خیلی نقش دارند در این که وحدت ایجاد کنند یا اختلاف ایجاد کنند. امروز با گسترش مراکز و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و خبری و اینترنتی، حرف از هر زبانی، از هر حنجره‌ای در بیاید، به گوش همه میرسد. خیلی‌ها هم رعایت نمیکنند. آن کسانی که مسئولند، چه در دولت، چه در بیرون دولت، باید خیلی اهتمام بورزند به این که این آزادی‌ای که نظام اسلامی به بیان حقائق داده، در جهت درستی به کار بیفتد؛ در جهت ایجاد نشاط کار، امید، همدلی و همبستگی.



خب، در زمینه‌ی فرهنگ فرصت نشد آقایان گزارشی بدهند. من يك جمله عرض بکنم: به کارهای سطحی نباید اکتفاء کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان دهها کار صادر میشود و نشئت میگیرد، توجه کنید. من يك وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همانها باید دنبال شود و باید دنبال میشد. در باب فرهنگ باید بشدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت يك هدفی هدایت میکند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، اینها می‌آیند خرابش میکنند و جور دیگری منعکس خواهد شد.

مسئله‌ی فضای مجازی هم اهمیت دارد، که حالا دیگر وقت نیست مطالبی بگوئیم. مسئله‌ی دیپلماسی انقلاب هم بشدت مهم است، که این هم مجال نیست درباره‌اش مطلب مفصلی عرض کنیم. به نظر من در زمینه‌ی دیپلماسی، فعالیت‌های خوبی دارد انجام میگیرد. دیپلماسی ما باید با روحیه‌ی انقلاب همراه باشد - یعنی اسلامی - این است که به ما بُرش میدهد. امروز ملتهای منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز میدهند، بیشتر خوششان می‌آید. خب، این نشانه‌ی این است که راه این است. دیپلماسی ما باید در این جهت باشد؛ که خب، خوشبختانه دوستان زحمتهای زیادی میکشند. از این حوادث منطقه هم باید حداکثر بهره گرفته شود به نفع اهداف انقلاب. این حوادث منطقه - همان طور که اشاره کردم - حوادث بسیار مهمی است و ضربه‌ی سنگینی بوده به جهتگیری استکبار در این منطقه. بلاشک شما بدانید؛ آمریکا و صهیونیسم - نه فقط دولت صهیونیستی، بلکه تشکیلات قوی و فعال و پرنفوذ صهیونیسم در دنیا - حالاحالاها نخواهند توانست خودشان را از آسیبهای این حرکت عظیمی که اتفاق افتاد، نجات بدهند. اینها در مقابل این حوادث، به معنای واقعی کلمه غافلگیر شدند. البته دارند تلاش میکنند فائق بیایند و موج‌سواری کنند. در يك گوشه‌هایی هم ممکن است بتوانند، اما در کلان نخواهند توانست و نمیتوانند. این فرصت بسیار مهمی است برای جمهوری اسلامی که از این فضا و از این فرصت استفاده کند.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به شماها کمک کند. بدانید هر قدمی که برمیدارید، هر ذره‌ی کاری که انجام میدهید، هر دلسوزی‌ای که میکنید، هر تلاشی که میکنید، پیش خدای متعال محفوظ است؛ حالا من شخصی یا من نوعی بدانم یا ندانم، تشکر بکنم یا نکنم. آنچه که شما از حسنه و خیر و با نیت خوب انجام میدهید، پیش پروردگار عالم محفوظ است. قرآن میفرماید: «ان الله شاکر علیم»؛ (1) خدای متعال، هم شکرگزار است، هم آگاه است. حالا ممکن است امثال بنده ندانیم شما مثلاً چقدر در آن وقت اضافی بیش از وظیفه‌ی کاری‌تان، در دفتر یا در مرکز کاری نشستید، صرف وقت کردید، اعصاب گذاشتید و مایه گذاشتید؛ طبعاً وقتی ندانستیم، تشکر هم نمیکنیم؛ اما لحظه‌لحظه‌ها از دید کرام‌الکاتبین و ضبطکنندگان حوادث - که «انا کثنا نستنسخ»؛ (2) خدای متعال همه‌ی کارهای ما را استنساخ میکند، یعنی دانه‌دانه‌اش و ذره‌ذره‌اش نسخه‌برداری میشود - مخفی و پنهان خواهد بود.



خدای متعال به شماها اجر بدهد. ان شاءالله بروید کارها را با جدیت دنبال کنید. دولت نهم و دولت دهم شناخته شده به پرکاری، پشتکار و خسته نشدن؛ سعی کنید این حالت را، این سُمعه‌ی خوب را تا آخرین لحظات حفظ کنید؛ خدا هم ان شاءالله کمکتان خواهد کرد.
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) بقره: 158

(2) جاثیه: 29